



بدترین دوران منابع ارزی کشور

از سال ۱۳۶۴ و همزمان با ورود من به وزارت اقتصاد، سرایشی فاحش درآمد‌های ارزی آغاز شد. این درآمد‌ها در سال ۱۳۶۵ به کمتر از ۶ میلیارد دلار رسید. اگر به آمارهای بانک مرکزی در چهل سال اخیر مراجعه شود، می‌بینید که بدترین سال‌های اقتصاد ایران از لحاظ منابع ارزی همین سال ۱۳۶۵ بود. یادم هست خبرنگاری در گفت‌وگویی از من می‌پرسید چرا در آن سال‌ها نرخ رشد اقتصادی منفی بود یا چرا تورم وجود داشت. من خیلی از این سؤال تعجب کردم که برخی اقتصاد زمان جنگ را با اقتصاد زمان صلح مقایسه می‌کنند. آن هم جنگی فرسایشی که از سال ۱۳۵۹ آغاز شده بود. من به آن خبرنگار گفتم: اقتصاد ایران در زمان جنگ باید با اقتصاد یک کشور دیگر درگیر در جنگ فرارگیر مقایسه شود.



برش

روشن شدن ارقام این بودجه را حساس دانست، وگرنه در زمان جنگ تمام بودجه‌ها اعم از ارزی و ریالی کاملاً علنی بود و اصلاحیه مورد اشاره استثنائاً به شورای عالی پشتیبانی جنگ رفت.

● در هیأت دولت علاوه بر وزرا چه کسانی حضور داشتند؟ منظوم مشاوران اقتصادی دولت، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر است. گویا افرادی مانند آقای عالی‌نسب، شریف‌زادگان و... در این جلسات حضور داشتند؟ شما تأیید می‌کنید؟

آقای محمدحسین شریف‌زادگان به عنوان مشاور نخست‌وزیر به شورای اقتصاد می‌آمد، اما هیچ‌وقت در جلسات هیأت دولت حضور نداشت. اما استاد میرمصطفی عالی‌نسب برای برخی جلسات مهم در حضور رئیس‌جمهور و رئیس مجلس دعوت می‌شد، ولی این طور نبود که به طور مرتب در جلسات هیأت دولت شرکت کند.

به هر حال مرحوم عالی‌نسب بسیار مورد احترام و توجه رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر بود. وی صنعتگری و متفکر و بزرگ، چهره‌ای خدمت‌مندی و عنصری انقلابی و میهن‌دوست و مورد احترام همه بود و برخی مواقع در جلسات مهم شورای اقتصاد هم شرکت می‌کرد.

● خود شما مرحوم عالی‌نسب را از لحاظ تئوری و نظریاتی که می‌دادند، قبول داشتید؟

بله. وی در صورت حضور در تصمیمات شورای اقتصاد اثرگذار بود و به هیچ‌وجه نگاه یک‌طرفه‌ای به مسائل نداشت. انصافاً اقتصاد را بسیار خوب و از همه زوایا می‌دید و استدلال‌های ایشان محکم بود. کمتر کسی قادر به مقابله تئوریک با ایشان بود. طبق اطلاعی که دارم، ایشان مشاور اقتصادی دکتر محمد مصدق هم بود.

● عالی‌نسب اقتصاد نخوانده بود، چطور علم اقتصاد را خوب می‌فهمید؟

وی مسلط به مباحث و چالش‌های اقتصادی بویژه اقتصاد ایران بود. به هر حال دستش در کار بود و از بنیانگذاران صنعت در کشور محسوب می‌شد. اولین ماشین‌ضرب پرس در ایران متعلق به او و در کار تجارت نیز خبره بود. وی با مسائل اقتصادی نظیر بازار پول، کالا و کار کاملاً آشنا و مسلط بود و می‌کرد. در اجلاس‌های سازمان جهانی کار شرکت می‌کرد، از مسائل روز اقتصاد جهان مطلع بود و از تولید ملی، نیروی کار ایرانی و منافع ملی به شدت حمایت می‌کرد.

● برای طرح یا عملیات خاصی از سوی فرماندهان نظامی بودجه ویژه‌ای از دولت درخواست نمی‌شد؟

در مقطعی که قدرت‌ها و عوامل منطقه‌ای جهان نگران نتیجه جنگ بودند و بشدت از صدام حمایت می‌کردند، نظام مقرر کرد طی یک برنامه ویژه، ۵۰۰ گردان نیرو تجهیز و تشکیل شود. طبق فرمان امام (ره) مصوبات شورای عالی پشتیبانی جنگ، حکم قانون را داشت، بنابراین مسئله تشکیل ۵۰۰ گردان را نیز شورای مذکور پیگیری می‌کرد. البته به دلیل مخالفت بانک مرکزی در اواخر سال ۱۳۶۴ و اوایل سال ۱۳۶۵ عملاً پرداخت بودجه‌ای آن دچار مشکل شد.

● سرانجام این طرح ۵۰۰ گردان چه شد؟ اگر حکم قانون داشت چطور بانک مرکزی رقیم پرداخت نمی‌کرد؟ نظر شورای عالی پشتیبانی جنگ در مورد این طرح چه بود؟

شورای عالی پشتیبانی جنگ این موضوع را تصویب کرده بود.

● چه کسانی عضو شورای عالی پشتیبانی جنگ بودند؟

جلسات این‌شورا به ریاست رئیس‌جمهور و با حضور رؤسای سه قوه، نخست‌وزیر، فرماندهان نظامی و... برگزار می‌شد. از آنجا که رئیس وقت کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در مورد این موضوع مصوبه را از من خواست، من مکتوباً از آقای رئیس‌جمهور خواستم تا این مصوبه را به من بدهند، ایشان نیز سریعاً مصوبه شورای عالی را که مستند به فرمان امام بود، ارسال کردند و من هم به رئیس کمیسیون دادم. همه چیز در حال اجرایی شدن بود، اما بعداً بانک مرکزی آن را اجرا نکرد و با اعتراض سازمان برنامه و بودجه تبدیل به یکی از عوامل اختلاف من با بانک مرکزی شد.

● این اتفاق دقیقاً چه سالی بود و در آن برهه چه کسی مسئول بانک مرکزی بود؟

اوایل سال ۱۳۶۵ بود. آن موقع مرحوم نوربخش مسئولیت بانک مرکزی را برعهده داشت. به علت حساس بودن موضوع، در مورد اصلاحیه مذکور برای طرح اصلاحیه بودجه نیز مصلحت دیده نشد که در جلسات رسمی مجلس بحث شود و ارقام و تنگناهای بودجه در میانه سال مالی افشا گردد. بویژه اینکه اگر موضوع به صحن مجلس می‌رفت احتمال داشت سیاسی با آن برخورد شود. بودجه ارزی هم منظملاً در مجلس بحث می‌شد، لیکن جالب است بعد از پایان جنگ، دولت بعدی که سرکار آمد،



وقتی لایحه بودجه سالانه کشور تهیه و در دولت مطرح می‌شد، بودجه ارزی کشور هم در همان چهارچوب و جزئیات تعیین‌کننده همراه بودجه ریالی در مجلس تصویب می‌شد. بنابراین بودجه ریالی و ارزی دفاعی کشور هم ذیل لایحه بودجه سالانه مطرح می‌شدند.

در طول سال نیز همان بودجه‌های تصویب شده در مجلس، توسط دولت اجرا می‌شد. لذا در جلسات هیأت دولت نیز به موضوع دفاع مقدس مثل سایر موضوعات پرداخته می‌شد. البته با توجه به حساسیت این بخش، عموماً به صورت ریز وارد بودجه این بخش نمی‌شدیم. زیرا علاوه بر شورای عالی پشتیبانی جنگ، تشکیلات ستاد فرماندهی کل قوا نیز تأسیس و نخست‌وزیر هم رئیس آن بود و هم نقش تعیین‌کننده‌ای داشت و موارد در آنجا بررسی می‌شد.

عملاً مؤثر نخواهد بود. ضمن اینکه شرایط نیز مهم است. معتمد شرایط بحران در عین تلخی‌های جنگ بزرگ‌ترین خدمت را به هر کشوری می‌کند. البته در صورتی که مدیران کلان کشور شخصیت‌های دلسوز، متعهد و برخاسته از بدنه جامعه باشند. در صورتی که شرایط وفور و فراوانی می‌تواند در اغلب موارد بیشترین ضربه را به هر کشوری بزند. در ادبیات اقتصادی به همین فراوانی‌های ارزی «نفرین طبیعت» یا «نحوست طبیعت» یا «تسامح محیطی» می‌گویند. اینکه ما جهان اولی مصرف و جهان سومی تولید کنیم هنر نیست. باید بدانیم آینده را ما می‌سازیم و آینده ساختنی است. با این رویکرد آن وقت با فکر و برنامه‌ریزی به دنبال تحول خواهیم بود. در مورد ساخت بزرگراه‌ها، کارخانجات سیمان، کشتی‌سازی‌ها، نیروگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و... حمایت‌ها و اقدامات دولت بسیار تأثیرگذار بود. اگر ما امروز جزو پنج کشور برتر نیروگاه‌ساز در جهان هستیم زحمات و سختی‌های زیادی توسط وزارتخانه‌ها و مهندسان گرانقدرمان پشت این موفقیت‌ها بوده است. وقتی یک نیروگاه ساخته می‌شود طراحی و فرایندهای زیادی وجود دارد. در آن زمان یک سری از لوازم مورد نیاز باید از خارج از کشور وارد و هرآیتم آن قیمت‌گذاری می‌شد. یکی از وظایف وزارتخانه‌های مرتبط با این کارها، این بود که به اجرای چنین پروژه‌هایی کمک کنند و جلوی آنها سنگ نیندازند. زمانی که در مراکز تهیه و توزیع کالا در وزارت بازرگانی بودم مسئول ناظر واردات لوازم پروژه نیروگاهی به من گفتم: کالایی که فلان مجری پروژه وارد کشور می‌کند صد درصد گران است. پرسیدم: قدر مطلق قیمتش چقدر است، گفتم: ۲۰۰۰ مارک؛ در حالی که باید چیزی حدود ۱۰۰۰ مارک قیمت داشته باشد. بلافاصله گفتم: این نیروگاه چندصد میلیون دلار ارزش دارد. آن وقت شما برای ۱۰۰۰ مارک می‌خواهید کار ساخت نیروگاه را مختل کنید. ارزش کالای مورد بحث نسبت به کل پروژه خیلی تعیین‌کننده است و در موارد و هزینه‌های کوچک نباید سختگیری کرد تا راه برای تسهیل در تولید داخلی میسر شود.

● گفتید جلسات هیأت دولت در هفته دو بار تشکیل می‌شد. چه درصدی از زمان این جلسات در مورد بودجه جنگ و هزینه‌های جنگ صحبت می‌شد؟ آیا بحث اصلی جلسات هفتگی هیأت دولت، مباحث جنگ بود؟

وقتی لایحه بودجه سالانه کشور تهیه و در دولت مطرح می‌شد، بودجه ارزی کشور هم در همان چهارچوب و جزئیات تعیین‌کننده همراه بودجه ریالی در مجلس تصویب می‌شد. بنابراین بودجه ریالی و ارزی دفاعی کشور هم ذیل لایحه بودجه سالانه مطرح می‌شدند. در طول سال نیز همان بودجه‌های تصویب شده در مجلس، توسط دولت اجرا می‌شد. لذا در جلسات هیأت دولت نیز به موضوع دفاع مقدس مثل سایر موضوعات پرداخته می‌شد. البته با توجه به حساسیت این بخش، عموماً به صورت ریز وارد بودجه این بخش نمی‌شدیم. زیرا علاوه بر شورای عالی پشتیبانی جنگ، تشکیلات ستاد فرماندهی کل قوا نیز تأسیس و نخست‌وزیر هم رئیس آن بود و هم نقش تعیین‌کننده‌ای داشت و موارد در آنجا بررسی می‌شد.

● از منتقدان سیاست‌هایتان زیاد سخن می‌گویید. آیا این منتقدان شما در کشور مسئولیتی هم داشتند؟

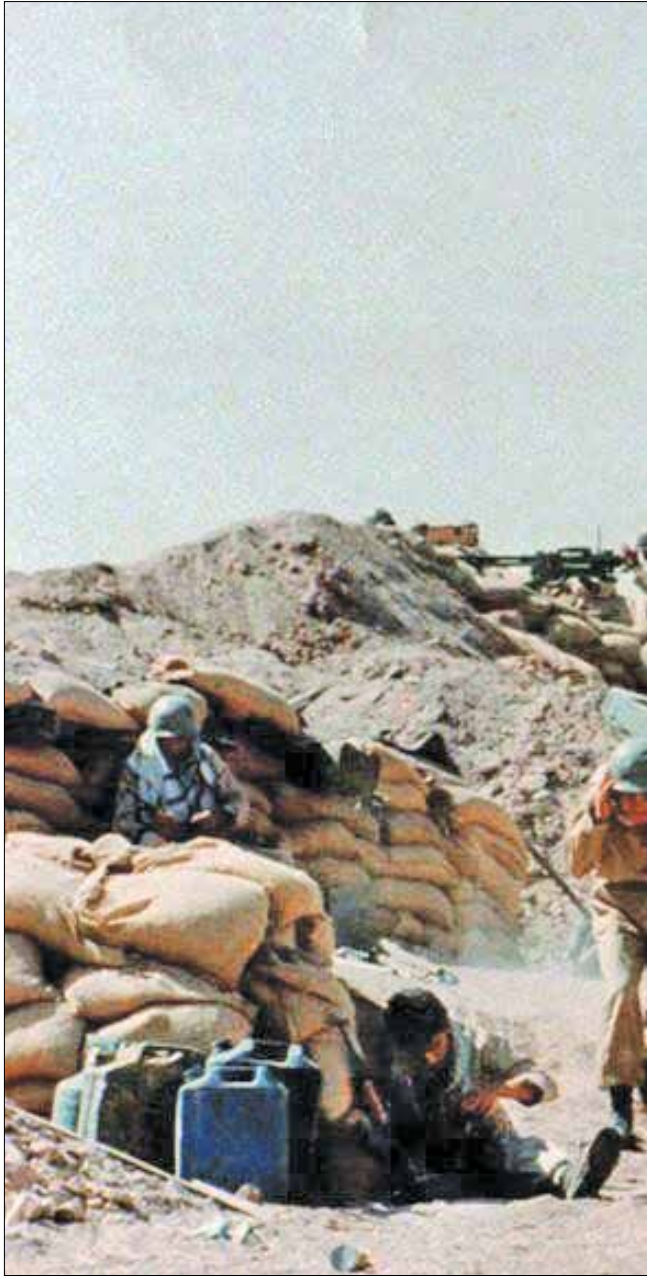
بله. منتهی رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر از نگاه وزارت اقتصاد حمایت می‌کردند. در گذشته وزارت امور اقتصادی و دارایی را صرفاً وزارت دارایی به معنای گرفتن مالیات و خزانه‌داری می‌دانستند. یادم هست زمانی که مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهور بودند در یکی از ملاقات‌ها به من فرمودند: «بخش اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی، مغفول مانده و به وزارتخانه شما وزارت دارایی می‌گویند، آن را احیا کنید.» ما همیشه سعی می‌کردیم با فعال کردن وزارتخانه در مسائل اقتصادی، بُعد اقتصادی این وزارتخانه را تقویت کنیم. حوزه تأمین کالا برای عموم مردم و خانواده‌های رزمندگان که در جبهه‌ها از انقلاب و کشورشان دفاع می‌کردند بسیار مهم بود. به هر حال در آن مقطع سعی بر این بود که مصارف حداقلی کالا و بهداشت خانوارها تأمین شود. حتی در اقتصاد جنگ طرح ژنریک در حوزه دارویی اجرا شد که طی آن صرفه‌جویی زیادی صورت گرفت، به طوری که شرکت‌های بزرگ دارویی جهان، با استفاده از نام‌های گوناگون و برندهای مختلف به دنبال تبلیغات کالایی و بالا بردن قیمت‌ها بودند، در صورتی که مشخصات کالایی آنها تفاوتی با یکدیگر نداشت. اجرای طرح ژنریک در تنظیم قیمت‌ها بسیار مؤثر بودند.

● ممکن است طرح ژنریک را بیشتر توضیح دهید. دقیقاً دولت چه کار کرد؟

در واقع داروهایی که یک مشخصات فنی دارد باید نام همگانی عرضه و قیمت یکسانی داشته باشد. برای مثال الان داروی فشار خون با نام‌های تجاری شرکت‌های مختلف با هم و با قیمت‌های مختلف فرق می‌کند. در طرح ژنریک شرکت‌های داروسازی موظف شدند هر دارویی را با نام عمومی منحصر به فرد آن تولید کنند و قیمت آن نیز قیمت ثابتی بود. برخی داروها با مشخصات یکسان از شرکت‌های مختلف جهان با برندهای متفاوت وجود داشتند که با تبلیغات به قیمت‌های کاملاً متفاوت فروخته می‌شد. طرح ژنریک، نوعی یکسان‌سازی بود که انصافاً در این موضوع وزارت بهداشت نیز عملکرد بسیار خوبی داشت. اجرای این طرح باعث شد امروز کارخانه‌های دارویی ایران در منطقه و جهان حرف‌هایی برای گفتن داشته باشند. در حال حاضر داروهای ایرانی به دلیل کیفیت خوب و قیمت پایین در بین کشورهای جهان طرفداران خود را دارد، ضمن اینکه قیمت تمام شده بشدت پایینی هم دارند. از دلایل تحول در نظام دارویی کشور نیز می‌توان از گسترش تحقیقات، مدیریت جهادی، نوع نگاه و طرح ژنریک نام برد.

● وزن طیف شما در کابینه سنگین‌تر بود یا افراد مقابل شما؟

افراد نظیر وزیر بازرگانی، رئیس کل بانک مرکزی، معاون اجرایی نخست‌وزیر، وزیر نفت، وزیر پست و تلگراف و تلفن، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، اینجانب و برخی دیگر عملاً در جریان تصمیم‌گیری‌ها بر طیف مقابل وزن بیشتری داشتیم. در نتیجه ما همیشه مسائل را مدیریت می‌کردیم و هرگز اجازه نمی‌دادیم توسط دیگران مدیریت شویم. اگر سیستم بتواند مدیری را مدیریت کند، آن شخص، اگرچه صاحب عنوان و تشریفات باشد اما



خاصی مربوط می‌شد حتماً جلسه با حضور وزیر مربوطه تشکیل می‌شد.

● برخی از اسناد را که مطالعه می‌کردم، دیدم در سال‌های پایانی جنگ تصمیمی، کشور در مورد تأمین ارز با چالش‌های بسیار بزرگی مواجه بود. با چه مشکلات ارزی در آن سال‌ها مواجه بودید؟

همان‌طور که گفتیم از سال ۱۳۶۴ همزمان با ورود من به وزارت اقتصاد، سرایشی فاحش درآمد‌های ارزی آغاز شد. این درآمد‌ها در سال ۱۳۶۵ به کمتر از ۶ میلیارد دلار رسید. اگر به آمارهای بانک مرکزی در چهل سال اخیر مراجعه شود، می‌بینید که بدترین سال‌های اقتصاد ایران از لحاظ منابع ارزی همین سال ۱۳۶۵ بود. یادم هست خبرنگاری در گفت‌وگویی از من می‌پرسید چرا در آن سال‌ها نرخ رشد اقتصادی منفی بود یا چرا تورم وجود داشت. من خیلی از این سؤال تعجب کردم که برخی اقتصاد زمان جنگ را با اقتصاد زمان صلح مقایسه می‌کنند. آن هم جنگی فرسایشی که از سال ۱۳۵۹ آغاز شده بود. من به آن خبرنگار گفتم: اقتصاد ایران در زمان جنگ باید با اقتصاد یک کشور دیگر درگیر در جنگ فرارگیر مقایسه شود. ضمن اینکه تورم ۲۸٫۶ درصدی بالاترین تورم کشور در این سال‌ها بود، در

حالی که در سال‌های بعد که کشور در صلح قرار داشت تورم به ۴۹٫۶ درصد در سال ۱۳۷۴ رسید یعنی افزایش جهشی پیدا کرد.

● وقتی به آمارهای اقتصادی آن سال‌ها نگاه می‌کردم ضرب جینی نیز وضعیت خوبی داشت. چطور ممکن است در یک اقتصاد جنگی، توزیع درآمد در یک جامعه بهبود یابد و شکاف طبقاتی نیز کاهش یابد؟

بله. مسائلی از قبیل قیمت کالاهایی که از ارز دولتی استفاده می‌کردند، خط فاصله محدود حقوق‌ها و رفاه خانوارها بشدت مورد توجه دولت بود. سیستم تأمین کالا بسیار خوب عمل می‌کرد و یک نظام منظم کالارسانی در کشور وجود داشت. البته کسانی که طرفدار اقتصاد آزاد، نئوکلاسیک و رهاسازی بودند، در مورد قیمت‌گذاری کالاها، تأمین مایحتاج غذایی و... منتقد دولت بودند، اما ما کار خودمان را می‌کردیم. همان‌طور که عرض کردم با سیاست‌هایی که از سوی دولت اعمال می‌شد نمی‌گذاشتیم مردم از لحاظ مایحتاج اساسی‌شان با مشکل مواجه شوند. هدف دولت توزیع عادلانه درآمد و امکانات بین مردم بود.

سیاست‌های تجاری حامی تولید بود نه واردات

طبیعتاً بیکاری مانند امروز نبود و اقتصاد کشور آن زمان تولیدمحور بود. سیاست‌های تجاری حمایت از تولید بود و نه واردات. سیاست پولی نیز تولیدمحور بود، یعنی توجه به اعطای تسهیلات اعتباری به بخش‌های تولیدی به جای تأکید بر وام‌های دولتی. صنوف تولیدی علاوه بر صنوف توزیعی راه‌اندازی شدند. از آنجا که کارگاه‌های تولیدی دارای کارت شناسایی بودند، عموماً مواد اولیه‌شان یا از داخل تأمین می‌شد یا برای واردات به آنها ارز تعلق می‌گرفت. لذا تهیه مواد اولیه آنها تسهیل می‌شد. این کارگاه‌ها با توجه به حجم بالایشان، اشتغال خوبی نیز ایجاد می‌کردند و هم‌اکنون صنوف تولیدی اهمیت خود را پیدا کرده و الان نیز رئیس شورای عالی اصناف کشور، رئیس اتحادیه صنوف تولیدی است. سیاست‌های مطوف به تولید دامنه بیکاری را محدود کرده و به اشتغال کمک خوبی می‌کرد.